

به دنبال حکومت ایران، زیر نظر پادشاهی عثمانی^۱

آیت الله سیدرضی شیرازی، از نوادگان مرحوم میرزای شیرازی، در مصاحبه ای می گویند:

آقا سیدعلی گلپایگانی از آقا میرزا علی نائینی و ایشان از پدرشان مرحوم میرزای نائینی برای من نقل کردند که سیدجمال الدین اسدآبادی در زمان مرحوم میرزا به سامرا آمد و در مدت اقامت در سامرا میهمان من بود. از میرزا وقت ملاقات خواست ولی میرزا به او وقت ملاقات ندادند. مؤید این مطلب این که سید جمال الدین دو نامه به میرزا می نویسد، ولی میرزا پاسخی به آن ها نمی دهد. مرحوم آیه الله مرعشی نجفی رحمه الله علیه هم برای من نقل کردند که سیدجمال برای ملاقات با میرزا به سامرا می رود، میرزا به وی وقت ملاقات نمی دهند و سید شبانه از دیوار خانه ی میرزا بالا می رود و وارد اطاق میرزا می شود و با ایشان ملاقات می کند! به هر حال مرحوم میرزا از داشتن رابطه با مرحوم سیدجمال اجتناب داشته است.

آیه الله شیخ عبدالنبی نوری از شاگردان میرزای شیرازی که در تهران ساکن بودند و نجل جلیل ایشان شیخ بهاءالدین نوری که بنده گاهی خدمت ایشان می رفتم و در ۱۰۳ سالگی مرحوم شدند، از قول پدرشان برای من نقل کردند که یک بار از سامرا از طریق ترکیه به مکه مشرف شدم. در بازگشت به استانبول که رسیدم سید جمال با خبر شد و از من ملاقات خواست. وقتی که آمد گفت پیامی دارم برای میرزا که می خواهم به وسیله ی شما برای ایشان بفرستم: «به میرزا بگو ناصرالدین شاه فرد فاسدی است؛ او را ابتدا تکفیر و سپس عزل کند». به سید گفتم: اگر ناصرالدین شاه را عزل کنند چه کسی به جای او بیاید؟ سیدجمال گفت: خود من. گفتم: با چه

^۱ - منبع: www.hawzah.net

از آنجا که متن، پیاده شده ی یک مصاحبه است، بدون تغییر اساسی در سافتار و ممتوای جملات، تغییراتی جزئی صورت گرفته است.

پشتوانه ای؟ گفت: به پشتوانه ی سلطان عبدالحمید (پادشاه عثمانی)! با این سخن سید مخالفت کردم. بگو مگو بالا گرفت، در عین حال نتیجه ای نداد.

به سامرا که آمدم خدمت مرحوم میرزا رفتم. جریان ملاقات با سید را به ایشان گفتم. میرزا فرمودند: شما چه جواب دادید؟ گفتم: مخالفت کردم با این پیشنهاد. مرحوم میرزا گفتند: «اگر موافقت کرده بودید رابطه من با شما قطع می شد. می دانید این پیشنهاد چه مفاسده ای دارد؟ معنایش این است که تنها کشور مستقل شیعه، استقلال خودش را از دست بدهد و تبعه ی دولت عثمانی گردد! این به مصلحت نیست. اگر ما ناصرالدین شاه را عزل نمی کنیم به خاطر این ظاهر است».

من (آیت الله سیدرضی شیرازی) قبل از این که داستان فوق را از مرحوم شیخ بهاءالدین نوری بشنوم این مساله در ذهنم بود که چرا مرحوم میرزا در تلگراف هایش به ناصرالدین شاه تعبیرات محترمانه ای به کار می برد و با القاب زیادی وی را مورد خطاب قرار می دهد. بعد فهمیدم که سرّ این مطلب چیست. میرزا به خاطر حفظ موقعیت موجود و این که کسی که بتواند در آن شرایط جانشین ناصرالدین شاه شود و این استقلال ظاهری را برای شیعه حفظ کند وجود ندارد، صلاح نمی داند هیمنه ی ظاهری شاه را در هم بشکند. از این روی در تعبیرات، مانند یک رعیت با ناصرالدین شاه برخورد می کند.^۲